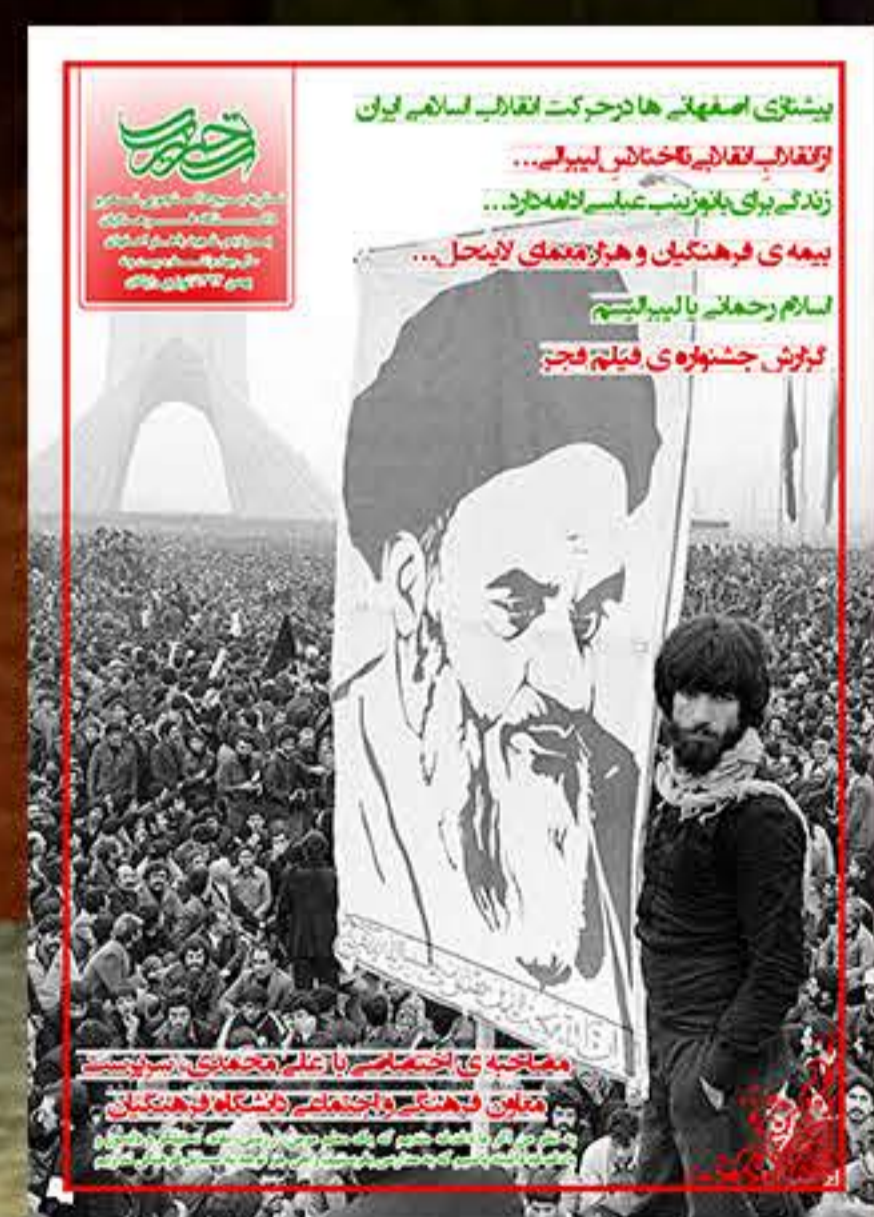
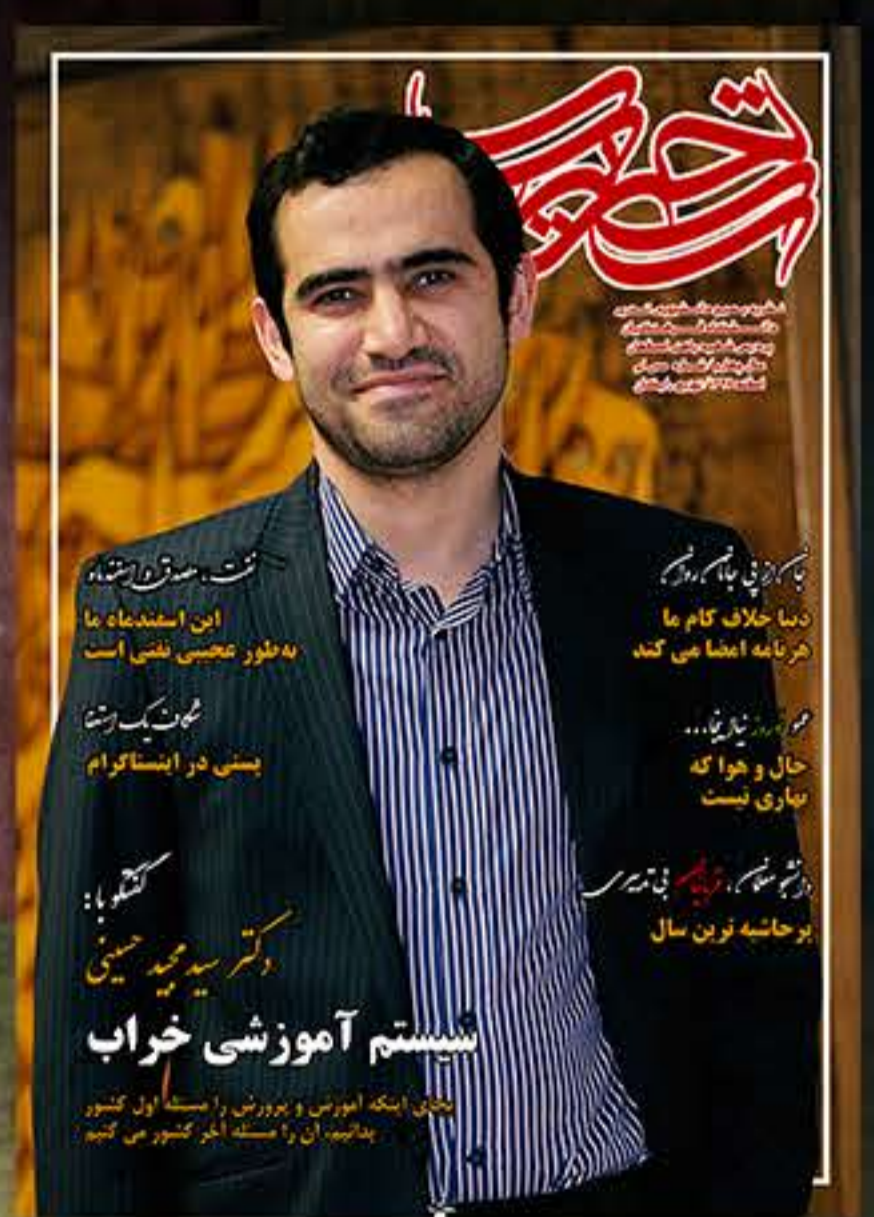
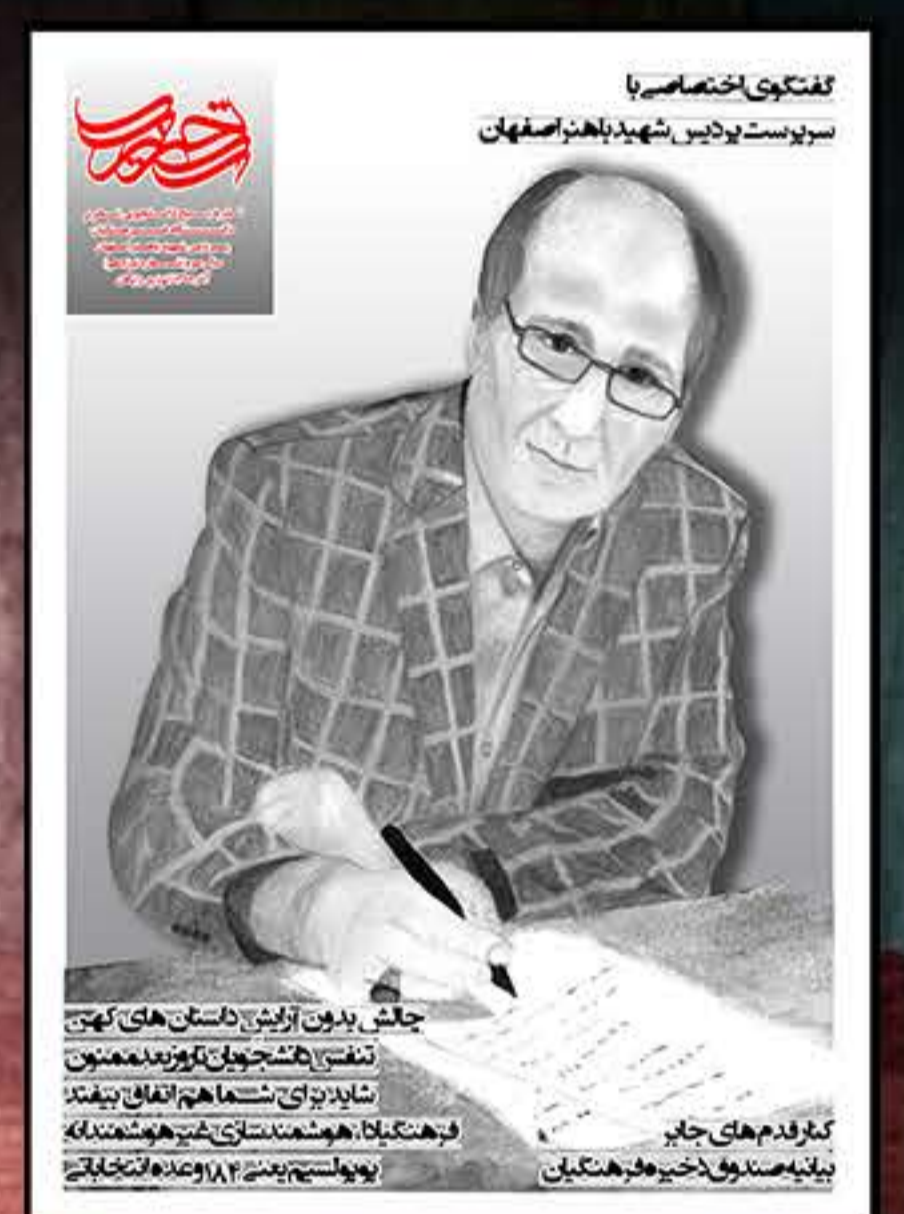
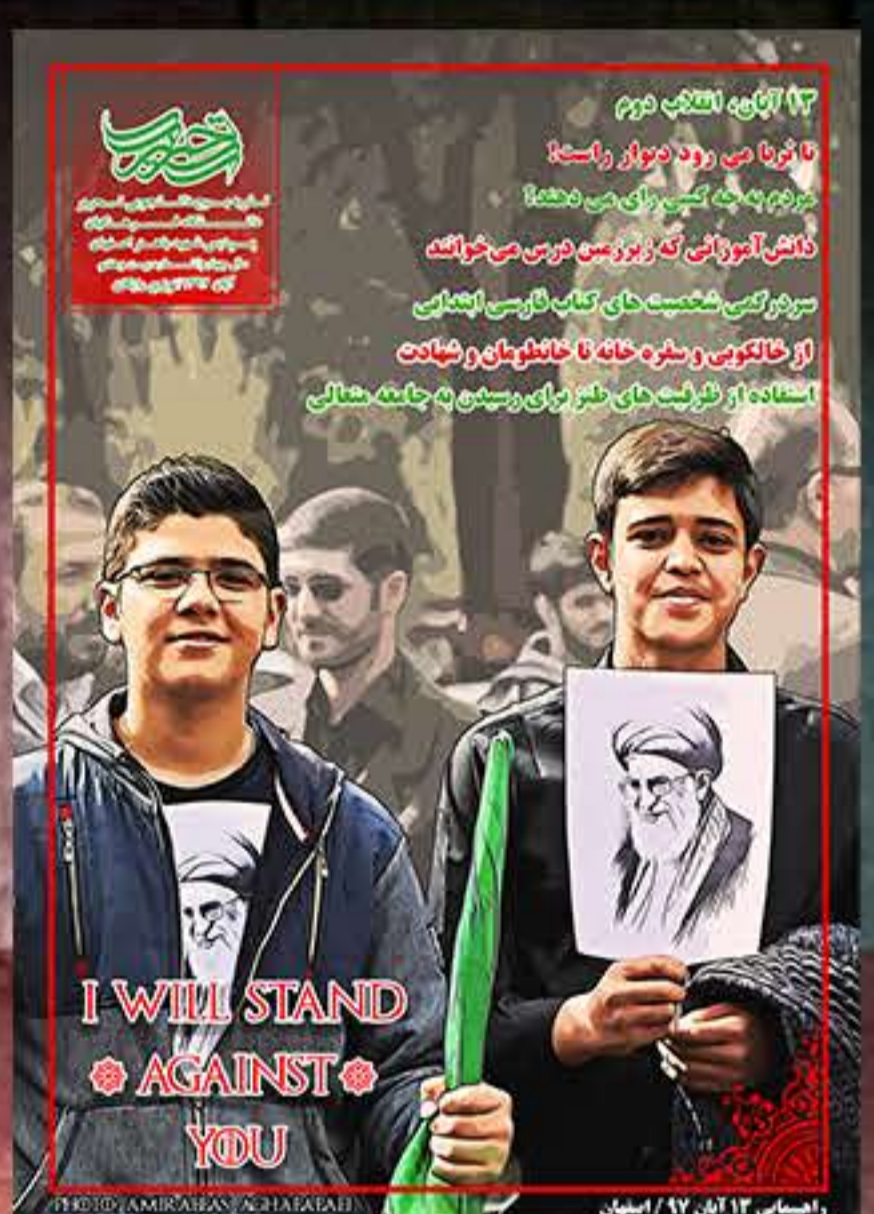
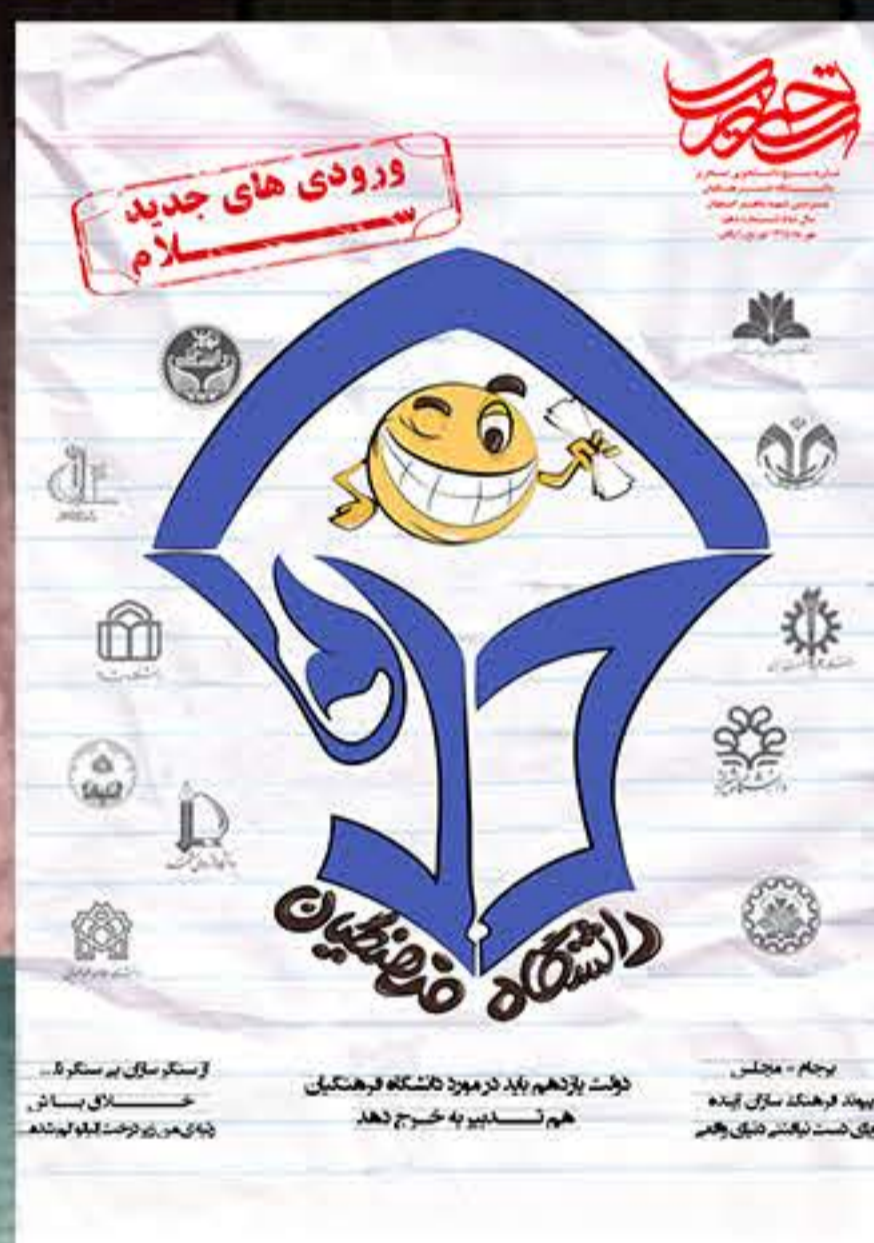


# تحقیق



نشریه بسیج دانشجویی تحریر  
دانشگاه فرهنگیان  
پردیس شهید باهنر اصفهان  
سال پنجم / شماره سی و دوم  
خرداد ۱۳۹۸ / توزیع رایگان

## تحریر پنج مساله شد



### پرسشی و پاسخی از مسئولین دانشگاه

دکتر مسعود کیمیگری

اینجا در اوایل دهه پنجاه و به عنوان یک مدرسه نمونه در حد متوسطه تاسیسی شده است و اصلاً مناسب فضای دانشگاهی نیست.



ثبت است بر جریده ی عالم دوام ما

آنها (دشمنان) از فهمیدن تومی ترسند

تناقضی که باعث رشد است نه انحراف

اشتباه بودن یا نبودن انتخاب کفتمان ما

خُنیاکر خفته به خون، در استبداد دوران

در خاک غربت با وضعیتی غیر قابل توصیف، به قتل رسید

# تذکره

نشریه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان

پردیس شهید باهنر اصفهان

سال پنجم / شماره سی و دوم /

خرداد 98 / توزیع رایگان

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان، پردیس

شهید باهنر اصفهان

مدیر مسئول:

محمد رضا بختیاری

سر دبیر:

امیر عباس آقابابایی

زیر نظر شورای سردبیری

دبیر واحد سیاسی:

محمد صادق اسکندری

دبیر واحد فرهنگی:

امیر حسین امینی

دبیر واحد دانشجویی:

امیر حسین زارعی

طراح جلد و صفحه آرایی:

امیر حسین حیدری

روابط عمومی:

محمد جواد زاهدی

ویراستار:

حسین محمد قاسمی

سامانه پیامکی:

۳۰۰۰۶۱۳۲۲۲۲۲

## چند نکته:

۱. این نشریه از مقالات و مطالب دانشجویان محترم استقبال می کند.

۲. نشریه در ویرایش و تلخیص مطالب ارسالی آزاد است.

۳. مطالب صرفاً بیان کننده دیدگاه شخصی نویسنده است.

۴. از آنجایی که نشریه با هزینه بیت المال و به صورت رایگان تهیه می شود، لطفاً بعد از مطالعه در اختیار دوستان قرار دهید.

۵. لطفاً پیشنهادات و انتقادات خود را به ما ارسال کنید.

نشریه دارای اسامی متبرک است

و حفظ حرمت آن به عهده خواننده می باشد.

tahrir.cfu@gmail.com

tahrircfu.blog.ir

bpbi.blogfa.com

## سخن سردبیر

با عرض درود و ادب بیکران خدمت مخاطبین گرامی نشریه تحریر و تبریک به مناسبت فرارسیدن پنجمین سالگرد تاسیس نشریه تحریر، خرسندیم که طی یک سال گذشته خدمتگزار شما دانشجویان و مخاطبان گرامی بوده ایم و در پنج سالگی تحریر همراه شما عزیزان هستیم.

همچنین از شما همراهان گرامی که ما را در حرکت های دانشجویی یاری می رسانید بی نهایت سپاسگزاریم. توجه داشته باشید رسالت نشریه تحریر همواره بر این بوده است که زبان گویای شما دانشجویان عزیز باشد که مجموع فعالیت های ما طی چند سال گذشته که عموماً در راستای مطالبه گری و احقاق حقوق جامعه فرهنگی بوده است، گویای چنین امری است.

امید است از این پس نیز با حمایت های شما دانشجویان گرامی، بتوانیم بیش از پیش، در کنار شما بزرگواران باشیم.

# تقاضی که باعث رشد است نه انحراف...

اب های خوب یا بد، مدام در حال پرداخت هزینه و یا دریافت خدمات بوده است، گاهی اوقات شاید اگر یک انتخاب را نمی کرد و هزینه های به تبع آن انتخاب را نمی پرداخت، تجربه های تاریخی بدست نمی آورد مانند همین تجربه آخر که ممکن بود سال های سال هم به خوبی متوجه نمی شد که آمریکا کشوری نیست که بتوان با آن مذاکره کرد بلکه باید راه مقاومت را در پیش گرفت تا هزینه آن کمتر و فواید آن بیشتر باشد و به دیپلماسی که سال ها به نقد آن می پردازند برگردند و بگویند راه ما در مقابله با آمریکا مذاکره عزتمندانه خواهد بود...

از طرفی هم شاید برای عده ای سوال باشد که چه طور یک جامعه ای که به یک تفکر تقریباً زاویه دار با آرمان ها رای داده است، اعتقاد به آرمان های خود هم دارد، یعنی پای آن ها ایستاده است، به طور مثال هر ۲۲ بهمن برای تجدید میثاق راهپیمایی میکنند؛ هر روز قدس پای کار است، هر انتخابات حضورش پر شور تر است. سال قبل که جنگ رسانه ای دشمن در اوج خودش بود، فشار اقتصادی هم بود و الان هم هست، نفرت پراکنی ها هم بی داد کرده است، باز هم این مردم با شکوه بیشتر، با شور و حال بیشتر در جشن چهل سالگی انقلاب و روز قدس حضور پیدا میکنند، آن هم حضوری حداکثری...

آیا این تناقض نیست؟ انتخاب دولت و تفکری اهل مذاکره و پای آرمان هایی مثل آرمان مقاومت ایستادن؟ باید اینجا گفت خیر این تناقض نیست!

بلکه این انتخابی است که یک جامعه مرتکب آن شده و هیچگاه این انتخاب درست یا اشتباه دلیلی بر منحرف شدن جامعه نیست... از مسیر خارج شدن جامعه نیست... بلکه سیر تاریخی است که بالاخره ممکن است یک جمعی در پیمودن مسیر خود مرتکب آن شود، این انتخاب های متناقض البته باعث رشد کشور و ملت خواهد شد نه انحراف او...

البته بانگته ای دقیق متن خود را تمام کنم: این فقط ویژگی جامعه ای اسلامی می باشد. چون این جامعه دارای یک اصلی به نام ولایت فقیه هست. دارای یک امام است که این امام ملت خود را به سمت راه صحیح راهنمایی خواهد کرد و مانع انحراف آن خواهد شد. فردی که چه در روزهای خدمت چه در روزهای مذاکره چه در روزهای سختی مانند فشار اقتصادی حداکثری دشمن، جنگ ها از سخت و نرم و اقتصادی گرفته تا سایبری و مقاومت منطقه و همه و همه با تدبیر واقعی راه را روشن می سازد، تبعات هر انتخابی را می داند، تبیین می کند و جامعه در این مسیر رشد خواهد کرد حال بعضی اوقات این رشد سریع، گاهی اوقات با توقف مقطعی و بعضی دیگر هم عقبگرد...

با سلام خدمت همه دوستان تحریری با توجه به ایام مهمی که هر ساله در خرداد ماه برای کشور ما اتفاق می افتد و به خصوص امسال از تاریخ هایی که در ذهن گروه های سیاسی مختلف ما جابه جا می شود از دوم و سوم تا چهاردهم و پانزدهم و تا بیست و دوم خرداد همگی برای ملت و سیاسیون نمایانگر یک تفکر خاص حاکم شده بر جامعه ما هستند این متن را جهت بر طرف شدن یک شبهه که سرنوشت جامعه ما با این همه تناقض در انتخاب چه خواهد شد مینویسم:

در فقه اسلامی اگر یک انسان مومن دچار اشتباهی شود، مرتکب گناهی شود، با دو نگاه میتوان در مورد آن شخص قضاوت کرد، عده ای آن شخص را به طور کامل له میکنند، به این منظور که او را انسانی پست تصور میکنند، انسانی که دیگر به او امیدی نیست...

عده ای هم متصور میشوند که او انسانی مومنی است که در طول زندگی دچار اشتباهی شده است، به تعبیر دیگر نسبت به عمل او نگاه منفرانه ندارند نه نسبت به شخص او، و مسیر را برای توبه او هموار مبینند و میگویند او قطعاً توبه خواهد کرد و با تمرین این اشتباه را هم نخواهد کرد، چون مومن از یک سوراخ دوبار گزیده نمیشود، بلکه با این اشتباه به رشد میرسد.

قطعاً نگاه دقیقی بلکه شاید بتوان گفت نگاه اسلام واقعی و منطقی طبعاً به انسان خاطی باید همان نگاه دوم باشد.

در مورد جامعه هم میتوان اینطور نگاه کرد، البته جامعه ای که محور اصلی آن ولی خدا باشد، به تعبیر قرآنی آن جامعه امام داشته باشد، رهبری الهی داشته باشد...

این جامعه اگر دچار اشتباهی شود هزینه آن را خواهد پرداخت و فایده این پرداخت هزینه رشد و بلوغ آن جامعه خواهد بود که به مرور زمان این جامعه به این فهم برسد که دیگر مرتکب اشتباه خود نشود... یک نمونه...

بخش قابل توجهی از مردم ایران در سال های مختلف به تفکرات مختلف رای دادند به یک گفتمان رای دادند که می توان گفت آخرین آن گفتمان مذاکره، تفکر سازش گرایانه و دیپلماسی مابلدیم حرف بزنیم شما فقط مقاله می خوانید بود...

اشتباه بودن یا نبودن انتخاب گفتمان ها بعد از چندین سال حتما در مقابل دیدگان ملت روشن بوده یا روشن خواهد شد و خود ملت به قضاوت خواهند پرداخت که کجا و کدام گفتمان کمک حالشان بوده و کدام گفتمان آنها را متضرر کرده است کما اینکه در آخرین گفتمان با بدعهدی طرف مقابل مذاکره کننده، عاقبت روشن شد...

این جامعه به خاطر انتخ



ایران - میدان ولّی عصر

مردم این سرزمین همه منتظر یک نفرند

## در توئیتر چه خبر؟!\*

«اقبال مسیح»  
کودک پاکستانی، در ده

سالگی از کارگاه تولید فرش فرار کرد و به مبارزه با «کار کودکان» روی آورد. در یک سال ۳۰۰۰ کودک را آگاه و از بردگی رها کرد و اینکارش باعث شد صادرات فرش پاکستان افت کند! در ۱۲ سالگی، صاحبان سرمایه، اقبال را با صدویست گلوله ساچمه‌ای کشتند!



amir ebtehaj  
@amirebtehaj

آبه:

آمریکا قصد تغییر رژیم ایران را ندارد. آقا: دروغ می‌گوید البته اگر هم میخواست، نمیتوانست. آبه: آمریکا میخواهد ایران سلاح هسته ای نداشته باشد. آقا: نمیسازیم، اما اگر میخواستیم آمریکا کاری نمیتوانست بکند. اینه تفاوت "آقا" با دیگران. ولذا فرمود: من دیپلمات نیستم، من انقلابی ام.



فرید ابراهیمی  
@faridabrahimi62

فلامینگوهای که خوریات (شاخه ای از

دریا که وارد خشکی شده باشد) تالاب شادگان را برای زادآوری انتخاب کرده اند؛ به همراه جوجه هایشان؛ سر بریده؛ سر از بازار شهر شادگان در می آورند.



reza\_nikfalak  
@RNikfalak

به

نظرم روند نزولی قیمت‌ها در روزهای منتهی به سفر نخست وزیر ژاپن به ایران، نسخه پیچی دولت برای افکار عمومی بود که مثلا راه حل مشکل اقتصادی، از مسیر دیپلماسی می‌گذرد. احتمالا بعد از دست رد محکم رهبرانقلاب به پیام ترامپ، باید منتظر افزایش تصنیعی قیمت‌ها باشیم!



علی قلهکی  
@a\_gholhaki

دنیا

در برابر برهان قاطع رهبر حکیم انقلاب خاضع است چون تکرار قرارداد با دولتی دروغگو و عهدشکن معقول نیست. ترامپ حتی حرمت واسطه را حفظ نکرد، لااقل در فاصله دیدارش با آبه و سفر وی به تهران، پتروشیمی ایران را تحریم نمی‌کرد. استدلال رهبری ترامپ را کیش و مات کرد؛ فیهت الذی کفر!



سیدمحمد حسینی  
@hosseini\_info

کاش برا زنگنه استثناء قائل

می‌شدن و بجای اعلام دارایی همسر و فرزند، لیست دارایی ابدارچی رو می‌گرفتن #عصر\_شفافیت



حاج فیدل  
@haj\_komeil

پاچه شلوارها کم کم میره بالا و خیلی

تبدیل به شلوارک بشه. این برای هیشکی تعجب آور نیست. حتی سوپر حزب الهی های جامعه. پس نپرس چرا وقتی پراید ۵۰ میلیون شد آب از آب تکان نخورد. مدت هاست که سنسورهای جامعه کار نمی‌کنه. همه خوابیم.



حبیب ترکاشوند  
@TorkashvandiH

ایرانی‌ها خدمه‌ی کشتی در حال

سوختن رو نجات دادن و این در حالیه که یکی دیگه با ناو هواپیمابر و هزار خدم و حشم وعده‌ی امنیت انتقال انرژی به جهان رو داده بود میگن از همون دور اعلام کردن که اگر کمک می‌خواید اعلام کنید



حاج فیدل  
@haj\_komeil



MEHR NEWSAGENCY

## پیام مشاوره

محمدرضا بختیاری

ارزش هاییم تعیین کننده ی جایگاهم در جهان  
و به عنوان یک معلم تعیین کننده ی جایگاه دانش آموزانم !!

یکی از دانشجویان دکتر حسابی به ایشان گفت: (( شما سه ترم است که مرا از این درس می اندازید. من که نمی خواهم موشک هوا کنم. می خواهم در روستایمان معلم شوم.))  
دکتر جواب داد: (( تو اگر نخواهی موشک هوا کنی و فقط بخواهی معلم شو ی قبول، ولی تو نمی توانی به من تضمین بدهی که یکی از شاگردان تو در روستا، نخواهد موشک هوا کند!!))

بینش و بصیرتی که انسان در زندگی نسبت به خود دارد، تعیین کننده ی جایگاه او در جهان است این بینش برای عامه ی مردم مهم اما از همه مهم تر برای یک معلم است اگر معلمی با این دید به زندگی بنگرد که بهترین شناور در حوضچه ی علم خود است مطمئنا نباید انتظار این را داشت که دانش آموزان او به فکر شنا کردن در اقیانوسی عمیق باشند چرا که یک دانش آموز معلم خود را الگو و پیشوای خود می داند فلذا معلم باید چنان ارزشی برای خود قائل باشد که دانش آموزان او احساس با ارزش بودن را در خودشان با نگاه به معلم خود داشته باشند مگر غیر از این است که تربیت یعنی اول خود را ساختن و بعد به دیگران پرداختن !!

بنابراین موضوع بحثم در رابطه با معلمان و میزان عزت نفس ان هاست، عزت نفس ارزش و احساسی است که فرد نسبت به خودش دارد افراد زیادی هستند که حس ارزشمند بودن خودشان را براساس عوامل بیرونی مانند اینکه چقدر پول در می آورند و دارایی مادی ان ها چقدر است، ظاهرشان چقدر خوب است و چه مقدار دوست دارند بنا می کنند، اما هر کدام از این ها می تواند تغییر کند و اگر این عوامل تغییر کنند عزت نفس شما می تواند به شدت سقوط کند. عزت نفس واقعی از شناخت درونی از اینکه شما فردی شایسته و با اعتماد به نفس هستید و شایستگی زندگی خوب را دارید نشئت می گیرد یک معلم باید این را در خود بیابد که او چه جایگاهی بلند مرتبه ای در جهان هستی دارد چرا که پیامبری که نازل شد هم شغل او بود مگر نه آنکه همان پیامبر(ص) فرمودند: مردم مانند معادن طلا و نقره هستند، چطور می توان از معلمی که معدن طلای خود را نیافته است این انتظار را داشت که معادن طلا و نقره ی دانش آموزانش را تعیین کند و به ان ها بشناساند

معلم باید به دانش آموزان خود بفهماند که همه آنچه در خلقت است، در درون ان ها وجود دارد و همه آنچه در درون ان هاست در خلقت است. او نباید به عنوان یک معلم اصرار مکانیکی داشته باشد بر صحت علم حوضچه ای خود بلکه او باید در اوجی معین باشد که دیگر ابری در انجا وجود ندارد نه آنکه در اسمانی ابری گرفتار شده باشد و دانش آموزان خود را در این راستا و درک و فهم نگه دارد

برای شناسایی عزت نفس بر این شاخص ها تمرکز کنید:

موفقیت: افرادی که عزت نفس سالم دارند مشتاق هستند آینده ای شگفت انگیز را برای خودشان تصور کنند و گام هایی برای رسیدن به این آینده بردارند.

کاردانی: همراه با موفقیت، لیاقت و کاردانی بدیهی در نظر گرفته می شود. افراد دارای عزت نفس قوی می دانند استعداد ها و مهارت هایی دارند که می توانند از ان ها در کارشان و برای کسب لذت استفاده کنند، حتی اگر مورد انتقاد قرار بگیرند آنچه را گفته شده است ارزیابی می کنند و به نتایج خودشان می رسند

عشق به خود: شما نمی توانید همیشه در مورد خودتان افکار منفی داشته باشید و در عین حال خود را ارزشمند بدانید باید عاشق خود بود تا ارزشمند شناخته شد

ظاهر: افرادی که عزت نفس سالم دارند ظاهرشان را می پذیرند حتی اگر همانی نباشد که عامه مردم ان را ظاهری خوب می دانند، ان ها به ظاهرشان می بالند و حداکثر تلاششان را می کنند تا پاکیزه باشند و خوب لباس بپوشند

روابط: کسانی که عزت نفس قوی دارند، برای اظهار عقیده به خودشان وابسته هستند نه به دیگران

قاطعیت: ان ها خجالتی نیستند و با صدای رسا نظرشان را بیان می کنند و کاری می کنند که به نیاز های ان ها توجه شود

به قول استاد علی شریعتی: این کلام چیزی است که می توانستیم نه تمام چیزی که می خواستیم

دوستان و معلمان عزیز برایتان دلی عاشق، ذهنی جستجوگر، روحی عصیانگر، نگاهی پرهیزگر و زبانی پرشگر می طلبم چرا که عقیده ی شخصی ام هست که اگر این ارزش ها در شما بزرگواران و من معلم صورت بگیرد بعد چندین سال این ارزش ها را در ذهنیت و رفتار دانش آموزان شاهد خواهیم بود

# پرسش و پاسخ از مولیندر دانشگاه

اینجا در اوایل دهه پنجاه و به عنوان یک مدرسه نمونه در حد متوسطه تاسیس شده است و اصلا مناسب فضای دانشگاهی نیست.

در سایر دانشگاه ها، حدود ۸۰ الی ۹۰ درصد زمان راهیئت های علمی پر می کنند و بعد، از اساتید مدعو استفاده می شود. ولی در دانشگاه ما بیش از ۱۵۰ استاد مدعو هستند!

ضمن قدردانی از شما عزیزان بابت همراهی و حمایت از نشریه خودتان، تحریر، در این شماره به درخواست شما، خدمت جناب آقای دکتر مسعود کیمیاگری، معاونت محترم پژوهشی پردیس شهیدباهنر اصفهان رسیدیم تا سوالات شما دانشجویان عزیز را از ایشان جویا شویم.

۱- چرا دانشگاه فرهنگیان و خصوصا پردیس ما، از نظر علمی و پژوهشی در یک شرایط رخوت و انفعال قرار دارد؟ انجمن های علمی غیرفعال هستند و فعالیت هایی مانند سمینار های علمی به ندرت برگزار می شود؟

دلیل اول مربوط به نوپا بودن دانشگاه است. الان، معاونت پژوهشی دانشگاه ما هنوز نتوانسته از نظر قانونی و آیین نامه ای، مانند سایر معاونت ها از جمله معاونت فرهنگی، رشد کافی را داشته باشد. یک سری کارها صورت گرفته است که این امور بیشتر در سطح هیئت علمی بوده است. یعنی در مسائلی که مربوط به امور پژوهشی هیئت های علمی بود کارهای خوبی صورت گرفت ولی در امور پژوهشی دانشجوی، همچنان ضعیف هست. این به این دلیل است که هنوز قوانین و آیین نامه ها به طور کامل تدوین نشده. دلیل دیگر مربوط به کمبود نیروی انسانی است. برای مثال، در پردیس ما، کارشناس مسئول پژوهشی، جناب آقای نوری هستند. ایشان علاوه بر این، مسئول کتابخانه و مسئول نظارت و ارزیابی هم هستند. این باعث می شود که آن طور که باید نتوان به همه امور رسیدگی کرد. این یک بعد قضیه است. مسئله دیگر این است که هنوز گروه های ما، مانند سایر دانشگاه ها قوام پیدا نکرده اند. البته آیین نامه ساختار گروه ها تصویب شده و درحال اجرا شدن است. اما همچنان آن توانایی پژوهشی را دارا نیستند. مسئله دیگر هم این است که دانشجویانی که انجمن های علمی را در دست می گیرند، باید ارتباط خود را با گروه ها بیشتر کنند و این موضوع، خیلی هم قائل به شخص نباشد. مثلا در گذشته، انجمن فیزیک ما فعالیت بسیار زیادی داشت. از جمله سخنرانی، مسابقه، کارگاه و... اما بعد از مدتی که دبیران انجمن ها تغییر کردند، ما دیگر آن تحرک را نداریم. انجمن های دیگر هم به همین صورت.

یک نقص دیگری هم که در آیین نامه وجود دارد، این است که انجمن های علمی زیر نظر معاونت فرهنگی هستند. بحث فرهنگی با بحث پژوهشی متفاوت است. همانطور که می دانید بخش فرهنگی یکی از شلوغ ترین بخش های دانشگاه هست که مواردی مانند بسیج، هیئت، کانون ها، تشکل ها و... را زیر نظر دارد. باید تغییراتی صورت بگیرد. البته ما یک سری پیشنهاداتی به سازمان مرکزی مبنی بر این که انجمن های علمی زیر نظر معاونت پژوهشی قرار بگیرند ارسال کردیم که اگر صورت بگیرد، می تواند تا حدودی اصلاح شود.

۳- معیار گزینش اساتید در پردیس چیست؟ چرا گاهی به اساتیدی بر می خوریم که حتی با وجود مدارک تحصیلی بالا، سطح سواد و دانش ضعیفی را دارا هستند؟ چرا این گونه اساتید برکنار و جایگزین نمی شوند؟

ما حدود ۱۶۷ استاد داریم. از این بین، ۱۵ نفر هیئت علمی هستند. هرم هیئت علمی ما فوق العاده ضعیف است. در سایر دانشگاه ها، حدود ۸۰ الی ۹۰ درصد زمان را هیئت های علمی پر می کنند و بعد، از اساتید مدعو استفاده می شود. ولی در دانشگاه ما بیش از ۱۵۰ استاد مدعو هستند! این موضوع می تواند خیلی برای ما مشکل ساز باشد. هیئت علمی ما هم به این شکل نیست که خود دانشگاه آن ها را جذب کند. افرادی از دوران تربیت معلم در سیستم بودند، و بعد از تبدیل به دانشگاه، خواه ناخواه این افراد تبدیل به هیئت علمی شدند.

ما تلاش کردیم تا اساتید مدعو را از بین بهترین اساتید انتخاب کنیم. ما الان ۴ گروه در پردیس تشکیل دادیم و خوشبختانه الان گروه ها در حال ورود به این قضیه هستند.

۴- علت این نقص در فضای آموزشی چیست؟ موضوع سالن مطالعه که بسیار مطرح است، و یا نقص در کتابخانه، آزمایشگاه ها و...

در خصوص فضای آموزشی، من کاملا حق را به شما می دهم. اینجا در اوایل دهه پنجاه و به عنوان یک مدرسه نمونه در حد متوسطه تاسیس شده است و اصلا مناسب فضای دانشگاهی نیست. و بعد هم به دلایلی، بخش هایی از آن در دوران تربیت معلم جهت تاسیس مدرسه، از آن جدا شد. ما الان ۴ رشته علوم پایه داریم، و سال آینده هم رشته آموزش علوم متوسطه اول به ما اضافه می شود. خب این آزمایشگاه ها اصلا برای این رشته ها طراحی نشده و در حد یک دبیرستان بوده است. این یک مسئله که اصلا فضای ما طراحی دانشگاهی ندارد.

در خصوص سالن مطالعه یک سری اقدامات مسکنی انجام شده است. سالی که در پشت ساختمان آموزش قرار دارد و یک سالن کوچک هم در محل خوابگاه ها داریم که اصلا نمی تواند سرویس مناسبی را ارائه بدهد. در این خصوص به فکر هستیم. در طرح توسعه پردیس، که ان شالله جناب آقای صامت بیشتر در این خصوص توضیح خواهند داد، ساخت و سازهایی خواهیم داشت و سالن مطالعه را گسترش خواهیم داد.

در خصوص آزمایشگاه ها، بودجه خوبی امسال جذب کردیم و تغییراتی صورت گرفت. طرحی را نیز پیش رو داریم. ما یک سری کارگاه بزرگ در ضلع غربی پردیس داریم که این ها متروک هستند که قرار هست این ها فعال شوند. ان شالله بزودی در محل آزمایشگاه های کنونی، ۴ آزمایشگاه را برای رشته های شیمی و زیست قرار می دهیم، برای رشته فیزیک ۲ آزمایشگاه بزرگ را در سمت دیگر در دست تجهیز داریم که در تابستان کارهای آن انجام خواهد شد و برای رشته آموزش علوم هم فضایی را در نظر خواهیم گرفت.

۵- چرا برخی از دانشجویان انتقالی در تطبیق واحد ها از سایر دانشگاه ها دچار مشکل هستند؟

ببینید، طبق آیین نامه، برای تطبیق واحد های گذرانده شده، آن هم فقط در دانشگاه های دولتی، نمره ۱۴ به بالا لازم است. که باید فرم خاص آن تهیه شود، گروه موافقت کند که از نظر محتوایی و تعداد واحد، این دروس با هم مطابقت دارند. پس از آن تطبیق واحد ها به سرعت انجام خواهد شد. ولی سعی شود که این فرآیند در ابتدای ترم انجام شود. قبل از حذف و اضافه. که اگر آن واحد تطبیق داده شد، دیگر نیازی به سایر فعالیت ها نباشد و بتوانند در حذف و اضافه، دروس دیگری را به جای آن اخذ کنند. به شرط رعایت ملاک ها مشکلی در این بابت وجود ندارد.

۶- سوال آخر در خصوص دیپارتمان بندی رشته ها است که توضیحاتی در این خصوص ارائه فرمودید. اگر توضیح بیشتری در این خصوص وجود دارد لطفا بفرمایید.

یک ضعف بزرگ دانشگاه ما همین است. در سایر دانشگاه ها، هویت اصلی دانشگاه، گروه های آکادمیک آن هستند. گروه های ما متأسفانه هنوز رشته ای نیست. تنها چند گروه رشته ای شده اند. یکی گروه معارف است که فقط رشته الهیات و معارف عمومی را زیر نظر دارد. یکی هم ریاضی است. ضعف مهم ما در گروه علوم تربیتی است. که الان شامل رشته های تربیت بدنی، آموزش ابتدایی، آموزش کودکان استثنایی و مشاوره را زیر نظر دارد. حال اگر بتوانیم هیئت علمی بیش تری جذب کنیم، می توانیم این گروه را به گروه های کوچک تر تجزیه کنیم. گروه علوم پایه ما هم سه رشته است. شیمی، فیزیک و زیست شناسی. گروه فیزیک از نظر تعداد هیئت علمی درحال نزدیک شدن به استاندارد یک گروه مستقل است که اگر یک یا دو نفر دیگر در سال دیگر جذب شوند، این گروه مستقل می شود. اگر هرم هیئت علمی اصلاح شود، گروه های واقعی شکل می گیرند و مانند سایر دانشگاه ها، دانشجویان، دانشجوی گروه خواهند بود نه پردیس. یک موضوعی هم که دانشجویان عزیز باید بدانند، اگر مواردی در هر زمینه ای به نظرشان می رسد، کادر آموزشی این جا از این موضوع استقبال می کند. این موارد و درخواست ها را مخصوصا به صورت مکتوب و با ذکر زمینه ها دلایل به ما ارائه بدهند.

# تحریر، پنج ساله شد

امیرحسین حیدری

تحریر ۵ ساله شد...

بهمن ۹۲ بود! تازه داشتند اطلاعیه فراخوان تشکیل یک تیم برای تهیه یک نشریه را روی دیوار میزدند. همین که اطلاعیه را دیدم سریعاً خودم رو به بسیج رساندم و فرم ثبت نام را پر کردم. اولین جلسه تشکیل شد و هر کس نظرات خودش را ارائه داد و قرار شد نامی برای نشریه انتخاب کنیم. بعد از مشورت های زیاد نشریه را تحریر نام گذاری کردیم. نامی که باید به تناسب آن، مطالب به قلم دانشجو معلم ها و بیان کننده تفکر و حرف دانشجو معلم باشد. در آغاز

فعالیتیم را با دبیری واحد فرهنگی شروع کردم و سعی کردم بر روی ورق های تحریر به مسائلی پردازم که در جامعه ریشه دوانده و با مدیریت و راه کار های فرهنگی، میتوان آن را بررسی کرد. از آن روز ها پنج سال گذشته و تحریر با شروع سال جدید، وارد سال پنجم تپش خود شده و بنده در ۲ سال نخست این نشریه، افتخار سردبیری این نشریه را داشتم. در این پنج سال به همراه تیم تحریر افتخارات زیادی کسب کرده ایم و نام دانشگاه فرهنگیان را در پاتوق نشریات دانشجویی و جشنواره های مختلف، بر سر زبان ها آورده ایم. تحریر بهانه ای است برای انعکاس تفکر دانشجو معلمان؛ پنجره ای است به سوی جامعه ای که تشنه آگاهی است. حال در سالگرد این نشریه، به عنوان نماینده تیم تحریر، از شما خوانندگان محترم تشکر میکنم که نشریه را حمایت میکنید و با نظرات و نقد های سازنده خود، ما را در جهت بهبود کیفیت نشریه همراهی میکنید و همچون خونی هستید در رگ های این نشریه. برقرار باشید و سبز



ای کاش این بخش را هم به نشریه اضافه می کردم... اما دیگه هر چی بود گذشت و فقط باید منتظر اعلام نتایج می ماندیم.

استرس زیادی داشتم و تا زمان اعلام نتایج کم حرف شده بودم و حواسم به اطراف نبود. مراسم اختتامیه شروع شد و مجری نتایج هر بخش را اعلام می کرد. تا قبل از اعلام نتایج بخش نشریه مکتوب، از اصفهان ۳ نفر موفق به کسب رتبه شده بودند. احمد بحرینی در رشته تصویرگری آیات قرانی، امیرحسین جعفری که دبیر واحد فرهنگی اجتمایی نشریه تحریر هم بود در رشته ی داستان نویسی، سید رضا سجادی رتبه اول رشته نقاشی. زمان اعلام نتایج رشته نشریه مکتوب رسید. برگشتم پشت سرم را نگاه کردم تا از حال و هوای رقیب هایم جويا شوم. نماینده نشریه شیراز هم استرسش کمتر از من نبود؛ زیر لب داشت جمله ای را زمزمه می کرد. نگاه بچه های اصفهان همه به من بود و عکس العمل های من رو دنبال می کردند! مجری بعد از کمی مکث نتیجه را اعلام کرد: **و اما مقام اول در رشته نشریه مکتوب تعلق میگیرد به...**

**نشریه تحریر از اصفهان، امیرحسین حیدری!** یک لحظه ذهنم از همه چیز خالی شد. گوشم پر شده بود از صدای دست ها و تشویق های حاضرین داخل سالن. یک نفس عمیقی کشیدم و رفتم روی سن برای دریافت لوح تقدیر و تندیس مسابقه. وقتی تندیس را گرفتم و پایین آمدم دیگر هیچ حسی نداشتم! همه چیز انگار برام تموم شده بود. نشریه رتبه اول شد و تیم نشریه نگاری تحریر نتیجه زحمات ۳ ساله خودش را دید. تمام! خیلی برام عجیب بود که همه خوشحالی و ذوق من بعد از چند دقیقه از اعلام نتایج فروکش کرده بود. با دبیر ها و مدیر مسئول نشریه تماس گرفتم و خبر این موفقیت را به آنها دادم. نشریه بعد از ۳ سال تلاش پیگیر تیم، نتیجه زحماتش را دید. کسب این رتبه به این راحتی ها نبود. پشت صحنه این موفقیت بزرگ در تبریز، تلاش های بی وقفه تیم نشریه نگاری تحریر در اصفهان بود. حال کار دبیر ها، نویسندگان، طراح روی جلد و صفحه آرا و ویراستار نشریه.

این موفقیت بزرگ را به همه کسانی که در رشد نشریه دست داشتن تبریک می گویم و برایشان آرزوی موفقیت دارم. تیم نشریه نگاری تحریر یک خانواده بزرگ است که متشکل از دبیر ها و سردبیر های قبلی و فعلی و همچنین نویسندگان نشریه های که بعضی هایشان یک ستون ثابت در شماره های نشریه برای خودشان داشتند و دارند. ما به معنای واقعی یک تیم هستیم و با عزمی راسخ و قلم هایی با جوهر تفکر، به راهمان ادامه می دهیم.

در پایان شعار نشریه تحریر رو یادآور میشوم:

«ما مجهز به سلاح قلم هستیم بسم الله...»

تقریباً مطمئن بودم که نشریه رتبه می آورد اما این که بین اول تا سوم چه رتبه ای را کسب می کند؟!... راستش نه!

بیشتر وقت ها در اخبار می بینیم که گزارشگر درباره حال و هوای مسابقات از شرکت کننده سؤال می کند و شرکت کننده هم اولین جمله ای که می گوید این است که سطح مسابقات بسیار بالا بوده و فکر نمی کردیم که رقیب های سختی داشته باشیم همیشه این جمله را کلیشه می دانستم و با خودم می گفتم چه قدر مسخره؛ جمله ی دیگری به ذهن شما ها نمی رسد که اول این را می گوید! بعد از جلسه ی توجیهی با رقبای خودم آشنا شدم و نشریاتشان را دیدم، اولین چیزی که به ذهنم رسید همان جمله ای بود که آنرا کلیشه می دانستم؛ سطح مسابقات واقعا بالا هستش حالا دیگر خودم هم تو اون شرایط سخت قرار گرفته بودم. داورها موضوع مسابقه رو تبریز اعلام کردن و گفتن هر چیزی که درباره تبریز می تواند وجود داشته باشد را در نشریه کار کنید. جلسه توجیهی که تموم شد به اتاق برگشتم و شروع کردم به آماده کردن یک ویژه نامه درباره تبریز؛

آنقدر پشت لپ تاپ نشسته بودم و بی خوابی کشیده بودم که دوستم به من گفت "تو الان قیافت شبیه کسی شده که می توانی راحت نقش یه معتاد رو تو یک فیلم بازی کنی!"

درست می گفت! اما من برای یک هدفی آمده بودم و فقط به آن فکر می کردم و این مسئله خواب را از من گرفته بود. درباره ی بخش های مختلف تبریز مطلب جمع آوری کردم و با یک صفحه آرای متفاوت از بقیه کار های نشریه و با تصویری از عمارت شهرداری تبریز، نشریه را آماده کردم. وقتی به تایپ و تکثیر برای چاپ نشریه رفتم متوجه شدم که چینش صفحات نشریه اشتباه است و باید مجدداً صفحات را با توجه به نحوه ی چینش و چاپ مرتب کنم. دیگه کلافه شده بودم و حتی متصدی تایپ و تکثیر هم از دست من خسته شده بود به خاطر سرعت پایین سیستم و دستگاه چاپگر و البته بی تجربگی من در چینش صفحات؛ کار چاپ نشریه حدود ۳ ساعت طول کشید! وقتی که می خواستم از تایپ و تکثیر خارج بشوم متصدی آنجا شماره ی منرا گرفت تا بعد از مشخص شدن نتایج ازم پرسد که چه رتبه ای را کسب کرده ام! وقت زیادی نداشتم و باید نشریه را تا نیم ساعت دیگر به دست داورهای مسابقه می رساندم برای همین سریعاً به دانشگاه برگشتم. وقتی که نشریه را به داور تحویل دادم نگاه عجیبی به نشریه کرد که من پیش خودم گفتم "از فکر رتبه ی اولی پیام بیرون!" به اتاقم برگشتم و به نشریه ای که آماده کرده بودم می اندیشیدم؛ با خودم می گفتم: ای کاش فلان قسمت را یک مدل دیگر کار کرده بودم؛

# راه‌های گام به گام و کاربردی در انتخاب همسر

## مطالعات اولیه

اولین موضوعی که در زمینه‌سازی ازدواج از شرایط ازدواج موفق به شمار می‌آید، کسب اطلاعات لازم برای ازدواج است. گاه به دلیل عدم اطلاع از برخی قوانین و مسائل، انسان دچار سردرگمی و مشکلات بفرنج می‌شود. بنابراین جوانی که قصد ازدواج دارد، لازم است چندین کتاب در این خصوص مطالعه کند. جوان پسری که قصد ازدواج دارد، لازم است چند کتاب پیرامون شخصیت زن مطالعه کند. دختر خانمها نیز باید در ارتباط با روحیات و شخصیت آقایان مطالعاتی داشته باشند. پسران جوان نباید به شناخت ظاهری خود که از شخصیت مادر و خواهر خود کسب کرده‌اند اکتفا کنند. دختر خانمها نیز نباید به شناخت ظاهری که از شخصیت پدر و برادران خود کسب کرده‌اند، اکتفا کنند. البته شناخت نسبت به جنس مخالف تنها از راه مطالعه کسب نخواهد شد و گاه مشاوره با بزرگانی که در این امر خیره هستند، میتواند به شما بسیار کمک کند. زیرا کسب اطلاعات از جنس مخالف در شیوه‌ی رفتار و خواستگاری و آداب و رسوم و روشهای خواستگاری مؤثر است.

فرق فرد تحصیل کرده با فرد عامی و بیسواد در این است که اگر فرد تحصیل کرده بخواهد عازم مکه شود در پی مطالعه‌ی کتابهایی در زمینه‌ی حج است ولی فرد عامی صرفاً می‌گوید می‌خواهم به مکه بروم. استاد محمدتقی جعفری می‌فرمودند: آیا برای ۵۰ سال زندگی مشترک نمی‌خواهید ۵۰ ساعت وقت بگذارید، فکر کنید، مطالعه کنید یا به سخنرانی بزرگان در این زمینه گوش دهید؟! یکی از مشکلات اساسی در ازدواج جوانان این است که متأسفانه بسیاری از آنها خودشان را غنی و بی‌نیاز از فراگیری مسائل زندگی میدانند. اگر بخواهند به آنها پند و اندرز بدهند، بی‌درنگ می‌گویند ما خودمان میدانیم. در حالی که در جهل مرکب به سر می‌برند؛ یعنی نمیدانند که نمیدانند! انسان تا اقرار به جهل خویش نکند، به دنبال علم نمی‌رود. هر چند در بسیاری از زمینه‌ها تخصص داشته باشید، قطعاً در مسأله‌ی ازدواج متخصص نیستید. شناخت شما از جنس مخالف در حد شناخت خواهر و مادر و یا برادر و پدر است و این برای شروع یک زندگی طولانی کفایت نمیکند.

## جمع بندی مطالب آنکه، قبل از هرگونه اقدامی باید:

- ۱- اگر قصد ازدواج داری، ضروری است، اطلاعات لازم در این زمینه را کسب کنی.
- ۲- اگر به دنبال اطلاعاتی در زمینه‌ی ازدواج هستی، به کتب و لوحهای آموزشی معتبر یا مشاوران آگاه مراجعه کن.
- ۳- در امر مهمی چون ازدواج دقت در انتخاب منبع کسب اطلاعات امری بدیهی است، منبعی را انتخاب کن که با آموزه‌های دین، فرهنگ و عرف جامعه‌ات هماهنگی داشته باشد.
- ۴- سعی کن قبل از اقدام به ازدواج در مورد روحیات، خلیقات جنس مخالف، مطالعاتی داشته باشی.
- ۵- با وظایف و حقوق زن و مرد در زندگی مشترک آشنا باش.

مخاطب ما در گفتار این فصل، جوانی می‌باشد که احساس می‌کند ازدواج برای او جنبه‌ی فریضه پیدا کرده است و بدیهی است برای این دسته از جوانان، تحصیل مقدمات ازدواج نیز واجب می‌شود. به طور مثال دانشجوی جوانی که در دروس و تحصیلات خود موفق است، اگر احساس کند ازدواج برای او واجب شده است، برای فراهم کردن مقدمات ازدواج خود، ناگزیر است تا حدودی به تمکن مالی برسد و لازمه‌ی این تمکن، فعالیت‌های اقتصادی است. بنابراین به طور طبیعی باید تا حدودی از فرصت مطالعه و درس خواندن خود بکاهد و چه بسا از رتبه‌ی علمی او نیز کاسته شود؛ لیکن با واجب گردیدن ازدواج برای او، باید اولویت را به این امر اختصاص دهد؛ زیرا چنانکه اشاره نمودیم برای انجام این واجب مانند نماز باید شرایط آن را فراهم آورد. حال ممکن است فریضه‌ای مقدماتش یکی دو دقیقه بیشتر طول نکشد، ولی برای امر ازدواج این فرصت چه بسا یک سال به طول بیانجامد.

## گفتار اول:

### برنامه ریزی نه شتابزدگی

نکته‌ای که شایان توجه است اینکه، مقصود از «فوریت» عجله و شتابزدگی نیست؛ به این معنی نیست که فردا صبح یا هفته‌ی آینده یا یک ماه دیگر باید ازدواج کند؛ بلکه مقصود این است که بگونه‌ای برای زندگی خود برنامه ریزی کند که به محض فراهم آمدن شرایط، در اولین فرصت اقدام به ازدواج نماید و آن را به تأخیر نیندازد. یعنی برنامه ریزی زندگی باید به سوی فراهم آمدن شرایط باشد. هر چند این شرایط چند سال بعد محقق شود؛ چنانکه در مسأله‌ی حج هم اینگونه عمل میشود. اگر امروز بر شما واجب شود به حج بروید، هر چند امروز اقدام به تهیه کردن فیش حج می‌نمایید، ده سال دیگر به حج مشرف میشوید. امسال نمیتوانید مکه بروید ولی اکنون که مستطیع شده‌اید، بر شما واجب شده است ثبت نام کنید هرچند ناگزیر باشید چندین سال در نوبت تشریف منتظر بمانید.

اگر دختر خانمی احساس کرد ازدواج برای او واجب شده است، باید از همان روز به خواستگاران اجازه دهد به خواستگاری بیایند. اگر خواستگاری با معیارهای او همخوانی نداشت به خواستگار دیگر اجازه‌ی خواستگاری بدهد و این روند ادامه یابد تا به خواستگار مورد نظرش پاسخ مثبت دهد. مقصود اینکه وقتی می‌گوییم ازدواج بر او واجب شده است، نباید آن زمان را فوری و فوری بداند و همه‌ی کارهای خود را کنار بگذارد و سریعاً اقدام به ازدواج نماید؛ بلکه منظور از وجوب ازدواج، در اولویت قرار دادن ازدواج است؛ نه شتاب زده عمل کردن.

پس خواهران و برادران و پدران و مادران باید توجه داشته باشند اگر گفته می‌شود نسبت به ازدواج جوانان اقدام کنید، منظور فراهم کردن اقدامات فرهنگی زمینه ساز ازدواج آسان است وگرنه شتابزدگی در ازدواج ممکن است با موفقیت همراه نباشد.





از سال ۱۳۲۳ که نخستین مرکز تربیت معلم در استان لرستان ایجاد شد تا به امروز، این نهاد پر افتخار، رسالت مهم تعلیم و تربیت مربیان و معلمان استان را بر عهده داشته است. گوشه ای از افتخار آفرینی های دانشگاه فرهنگیان لرستان، سال گذشته در مراسم هفتاد و چهارمین سالگرد تاسیس دانشگاه فرهنگیان در لرستان به نمایش گذاشته شد. با این حال، وجود پاره ای از مشکلات که گاه ریشه در مسائل کلی دانشگاه فرهنگیان و گاه ریشه در خود پردیس های استان دارند، دانشجویان را با مشکلاتی روبرو میکند که امید آنست با ذکر چند مورد از آنها، گامهایی موثر در جهت حل و رفع آنها برداشته شود. با توجه به فعالسازی اتوماسیون تغذیه و الزام دانشجویان به رزرو اینترنتی غذا، دو مشکل اساسی در این سیستم، موجب ایجاد نارضایتی هایی در بین دانشجویان شده است. مورد اول آنکه برای اتوماسیون صرفا یک نوع غذا تعریف شده است و دانشجو فقط میبایست همان یک نوع غذا را رزرو کند که با ماهیت اتوماسیون تغذیه در دیگر دانشگاه ها مغایرت دارد و مورد دوم آنکه با توجه به کسر ۴۵ درصد از حقوق دانشجویان بابت خوابگاه و تغذیه توسط دانشگاه، انتظار می رفت که با راه اندازی اتوماسیون، دانشگاه صرفا به همان میزان که دانشجو به از تغذیه استفاده کرده است از حقوق کسر نماید اما تا کنون هیچ گونه تغییر رویه ای از طرف دانشگاه شاهد نبوده ایم. مسئله ی بعدی که مورد اعتراض دانشجویان قرار گرفت، کیفیت نامناسب اغلب صندلی ها بود که مشکلاتی را به وجود آورده است. یکی دیگر از خواسته های دانشجویان ساکن در خوابگاه، فعالسازی اینترنت بی سیم خوابگاه ها بود که با وجود پیگیری های متعدد، تا کنون نتیجه ای حاصل نشده است. کیفیت نامناسب سرویس های بهداشتی سراهای دانشجویی هم از مشکلات دانشجویان ساکن خوابگاه محسوب میگردد. با توجه به عزم راسخ و پیگیری های مسئولین محترم دانشگاه در جهت حل مشکلات و خواسته های دانشجویان، امید است موارد ذکر شده که گزیده ای از خواسته های دانشجو معلمان مرکز علامه طباطبایی لرستان بود، هر چه سریع تر مورد رسیدگی قرار بگیرند.

پدیس علامه طباطبایی لرستان

گزارش پدیس پردیس علامه طباطبایی لرستان

محمد رضا جعفر پور



## زیست فناوری فناور امروز و آینده

زیست فناوری و مهندسی ژنتیک به قدری پیشرفت کرده است که در سال های اخیر، از این فناوری برای بازگردانی برخی گونه های منقرض شده به چرخه حیات استفاده شده است. نمونه ماده ژنتیک به جا مانده از این جانداران به ما این توانایی را می دهد تا بتوانیم شکل و ریخت شناسی این جانداران را بررسی، صفات آن هارا استخراج و نهایتا بتوان با فرآیند هایی، این جانداران را دوباره بازسازی کرد.

همچنین، افزایش روزافزون جمعیت جهان، اهمیت توجه بیشتر به تولید غذا را برجسته تر می کند. بیوتکنولوژی این امکان را به ما می دهد تا با تهیه محصولات تراریخته مانند ذرت، گندم، گوجه فرنگی، برنج و...، علاوه بر افزایش حجم تولید این مواد غذایی، ترکیبات مغذی مورد نیاز بدن را به برخی از این محصولات اضافه کرده و همچنین، آن ها را نسبت به انواع آفت ها، مقاوم کرد.

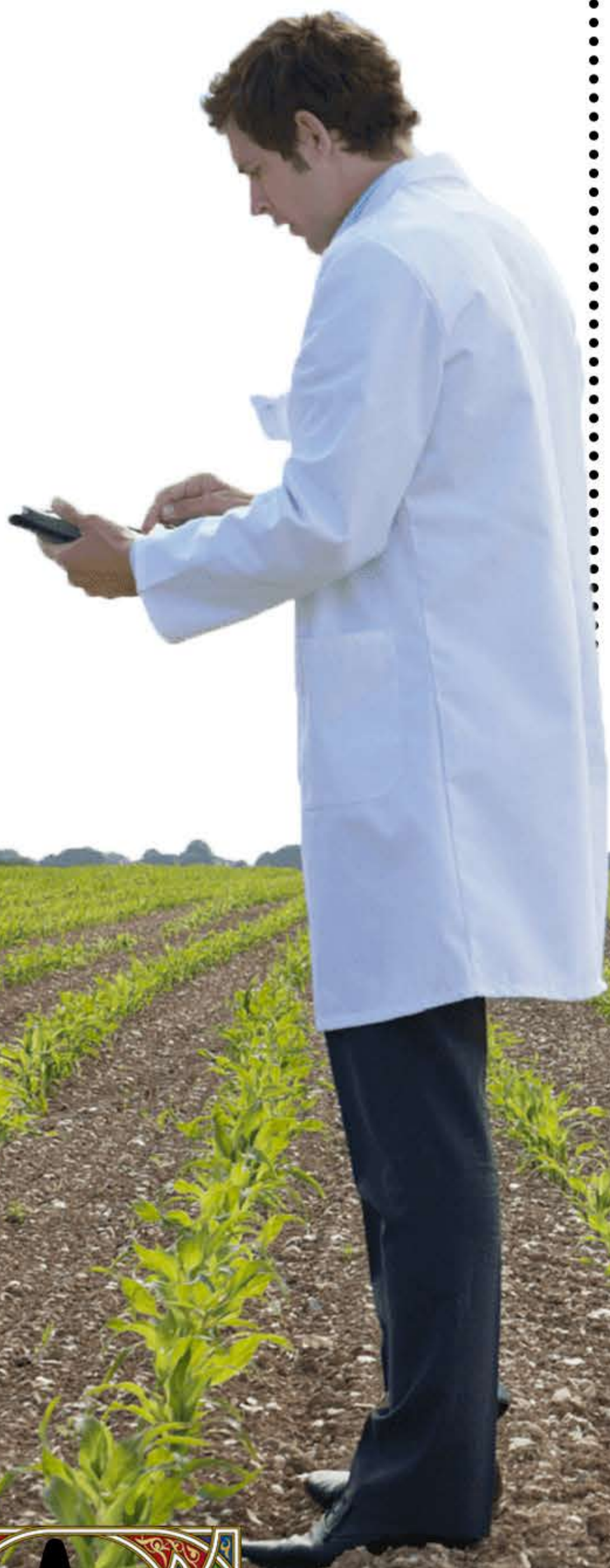
ایران، امروزه یکی از کشورهای پیشگام در این زمینه است. موسساتی مانند موسسه سرم سازی رازی، انستیتو پاستور، پژوهشگاه زیست فناوری رویان و... از جمله مراکزی هستند که به طور فعال و مداوم، در این زمینه فعالیت می کنند.

در آینده، به طور مفصل تر از شیوه ها، فنون و کاربرد های این رشته سخن خواهیم گفت.

زمانی، تصور آن که انسان بتواند نفوذ و دست ورزی خود را تا آن جا پیش ببرد که در خلقت و آفرینش جانداران نیز دخالت کند، امری بعید به نظر می رسید. هیچ کس تصور نمی کرد روزی فرا برسد که انسان قدرت تغییر جهت ماهیت جانداران را به دست آورد. اما امروز، چنین تخصصی، از جمله اخبار داغ جهان است. اما این تخصص در حقیقت چیست؟

به طور کلی، رشته زیست شناسی به هفت گرایش تقسیم می شود:

(۱) بیوشیمی (۲) علوم گیاهی (۳) علوم جانوری (۴) میکروبیولوژی (۵) علوم سلولی و مولکولی (۶) ژنتیک (۷) زیست فناوری (بیوتکنولوژی) بیوتکنولوژی یا زیست فناوری، به علمی بین رشته ای اطلاق می گردد که در آن از موجودات زنده برای ساخت یا تغییر محصولات، ارتقای کیفی گیاهان، جانوران یا تغییر صفات ریز جانداران (میکروارگانیسم ها) برای اهداف ویژه استفاده می شود. اهمیت زیست فناوری امروزه به اهمیت بقای ما وابسته است. از گذشته های دور، بنیان های اولیه زیست فناوری، در زندگی انسان ها نمود داشت. که مثال بارز آن استفاده از مخمرها در تهیه نان است. امروزه اما، این فناوری، حیطة گسترده تری را در بر می گیرد. بیوتکنولوژی در دنیای امروز، فرآیندهایی از جمله اصلاح نژاد گیاهان و دام ها، تهیه و تولید آنتی بیوتیک های جدید، تولید مصنوعی ترکیبات مورد نیاز بدن از جمله فاکتورهای انعقاد خون و انسولین، تولید DNA نو ترکیب و مهندسی ژنتیک را شامل می شود.



# رمضان، شهر الخيرات

معصومه لطفی نژاد



دوباره سفیدی هلال ماه رمضان، شب تار دل را روشن میکند. ندایی از سوی زمین آسمان هارا میخواند: سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یارب. ناله های علی در چاه، یک عالم را بیدار میکند. تمام سحر را چشم به در میدوزم تا شاید مرد تنهای کوجه های کوفه قدری برای دل یتیم من هم نان و خرما بیاورد. ناگهان صدای اذان، از میان ابرها بلند می شود... الله اکبر..

اما با چه رویی سربه سجده بگذارم وقتی ابوتراب برای سجده کردن به تو، فرق سر میدهد؟ با چه رویی رو به قبله بایستم وقتی ولادت و شهادت علی در قبله است؟ من در آتش گناهانم میسوزم ولی هنوز چشم امید دارم به جرئه ای آب زلال از سوی پدر، پدری از جنس مرتضی. حسن پدر، یتیم نوازی میکند. ملاک بی پناهی است... بی پدری ست. یتیم، کافر و مومن ندارد. یاولی المومنین، به حق نفس های آخر امیر المومنین.

به من نظری کن. یا کریم و یارحیم، یا حبیب و یا شفیق، به حق دعای جوشن کبیر، به حق فرق شکافته ی امیر، دست مرا بگیر. فرزند ناخلف هم که باشی، باز اغوش مادر امن ترین پناهگاست.

یا رحم الراحمین، که از مادر مهربان تری مرا در دریای رحمت غرق کن تا همیشه عطش عشق تورا داشته باشم. من گل سفالی بیش نیستم، هر آتشی میخواهی بر من بزن به جز آتش فراق.

کیفر ناسپاسی ام این باشد که هر چه هست و نیست را از من بگیری به جز هستی ات.

ذکر سجده ی نماز، اللهم ارحم عبدک الضعیف است چون باور روح و قلبم، ایه ی بسم الله الرحمن الرحیم است. نمیدانم که در آخر، صاحب خانه، اذن دخول میدهد یا نه ولی من، گردپای محبوبان این درگاهم، غلام مادرزاد این خاندانم. هنوز در قفس را که باز میکنم، پرنده ی دل را دور حرم پیدا میکنم.

هنوز حال وهوای گریه می گیرم، اگر اربعین در مسیر بهشت قدم نگذارم. هنوز وقتی دلم قصد توبه دارد، لبم ذکر حسین دارد.

نمیدانم این عشق ریشه در کجا دارد که همیشه و هر جا، نوای یا حسین دارم. شاید همه ی این ها را از دعای خیر مادرم دارم.

تشریح و انشجوی تشریح

# خساکر خفته به خورشید، در استبداد دورنگ

علی گلشای



او به دلیل ادامه ی فعالیت های این چنینی خود و اعلام کردن نظرات از این قبیل در رسانه و مجامع آلمان، عاقبت به دست نیروهای سازمان اطلاعات ایران در سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۲)، به وسیله ضربات متعدد چاقو در منزل خود به قتل رسید و فردای آن روز پیکر غرق تکه تکه و غرق به خون او را پیدا کردند و در بن آلمان به خاک سرد گور سپردند.

نکته ای که در این نوشته قابل طرح و بیان است این است که آیا تمام اشخاصی که به نظام ها و انقلاب های شکل گرفته در سایر نقاط عالم، انتقاد می کنند و فقط در حد سخنرانی، انتقاد خویش را مطرح می ساخته اند و با وجود این که هیچ گونه شورش و طرفدارانی را به هیچ عنوان نخواستند که برای تحقق اهداف خویش جمع آوری کنند و صرفاً برای راحتی وجدان خود، نظر خود را ارائه می دادند و از همه ی اینها مهم تر که نخبه و افتخار آفرین برای خود و کشور و حتی در سطحی فراتر برای جهان و جهانیان محسوب می شدند؛ باید به سرعت و و به گونه ای که هیچ احدالتاسی از ماجرای آن بویی نبرد، و این قدر در گمنامی و در خاک غربت با وضعیتی فجیع و غیرقابل توصیف، به قتل رسند و چنین گوهرهای نادر دهر و روزگار، در اعماق ژرف دریای ظاهر بینی و ظلم و جبر، مدفون شوند؟!!!!

در میان اتنای جهان تکنولوژی، می خواهیم ذهن و حواس شما را به حدود ۲۵ الی ۳۰ سال قبل ببرم و پرده از رازی کهنه و پنهان شده عامه ی مردم بردارم. در اواسط شکل گیری نظام نو پای جمهوری اسلامی، ایران سرشار بود از شاعران و نویسندگان زنده و ریزقلم که آوازه ی شعر و نوشته ی آنان اگر نگوییم سراسر جهان را حداقل قاره ی آسیا و پیروان ادبیات با هر زبان و سلیقه و عقیده ای، فراگرفته بود.

از جمله ی آن منظمه های سترگ و درخشان عرصه ی هنر و ادبیات جهان شمول، فریدون فرخزاد (برادر فروغ فرخزاد) است که فرد مورد بحث ما در این اندک مجال برای معرفی چنین شخصی است که شاید به دلیل شهرت بی انتها و مهارت بی بدیل خواهرش فروغ، اندک کسانی هستند که او را فقط در حد اسم و رسم معمول می شناسند و در یاد دارند. در ابتدای امر، فریدون را از زبان خود فریدون که در مصاحبه ای انجام گرفته از وی در مجله ی سفید و سیاه، معرفی میکنم:

((من در پانزدهم مهرماه ۱۳۱۷ در چهار راه گمرک تهران به دنیا آمدم. مدتی در دبستان رازی و بعد دبیرستان دارالفنون درس خواندم و بعد به آلمان رفتم. در مونیخ، وین و برلین حقوق سیاسی خواندم. تز دکتری میدارم درباره ی تأثیر عقاید مارکس بر کلیسا و حکومت آلمان شرقی نوشتم و با بالاترین نمره از دانشگاه مونیخ، فارغ التحصیل شدم.

در سال ۱۹۶۳، اشعار آلمانی ام از طرف ناشرین بزرگ کتاب آلمان به عنوان بهترین اشعار سال آلمان برنده ی جایزه شد؛ و در کتابی که همه ساله منتشر می شود آثار من در ردیف ده شاعر و نویسنده سال چاپ شد. در سال ۱۹۶۴، اولین دیوان شعرم با نام (زمانی دیگر) به زبان آلمانی انتشار یافت و جایزه ی ادبیات گرفت و بعدها در ده مجموعه ی شعر چاپ شد که یکی از آن اشعار به عنوان بهترین اشعار یک قرن آلمان شناخته شد و در ردیف آثار گوته و شیلر قرار گرفت و بدین صورت در آن سال عضو آکادمی ادبیات جوانان مونیخ شدم. در سال ۱۹۶۶، به رادیو و تلویزیون مونیخ رفتم. در سال ۱۹۶۷، بر اساس موزیک فولکور ایران؛ موزیک مدرن ساختم و با این موزیک به فستیوال موزیک اینسبورگ اتریش راه یافتم و جایزه اول را هم گرفتم. به جز زبان آلمانی و انگلیسی، مختصری زبان فرانسه نیز می دانم.))

این بود مقدمه ای بسیار کوچک از شخصیت فریدون فرخزاد که عاشقان راه ادب و معرفت به سوی آن راهنما شود.

# ثبت است بر جریده سرعالم دوام ما

محمد استوار

۲۴ آذر ۱۳۱۲ در روستای کاهک مزینان از توابع سبزواری زاده شد. فرزند اول خانواده بود و آمدنش دیده پدر را روشن و قلب مادر را از مهر لبریز کرد. نام او را علی گذاشتند. اصل و نسبش به ملاقربان علی معروب به آخوند حکیم می رسید. مردی بزرگ از شاگردان حاج ملاهادی سبزواری.

بزرگ تر که شد با آنکه رسم روزگار نبود وارد مدرسه شد. پدرش محمد تقی شریعتی خود مردی بزرگ و با اندیشه، اهل فضل و دانش بود. سال های ابتدای تحصیل را در مشهد گذراند. این سال ها با وقایع و بلوای سال ۱۳۲۰ همراه شد و محمد تقی شریعتی برای حراست از خانواده آن ها را از مشهد به روستا فرستاد. آمدن به روستا باعث وقفه در جریان تحصیل علی شریعتی شد. اما علی را نسبت به تحصیل و علم اندوزی دلسرد نکرد. بعد که اوضاع آرام شد شریعتی تحصیل را از سر گرفت.

سال ۱۳۲۵ وارد دبیرستان فردوسی مشهد شد و پس از اخذ سیکل وارد دانشسرای مقدماتی شد. ورود به دانشسرا به اصرار پدر بود اما علی دلش میخواست در دانشگاه و در رشته محبوبش یعنی زبان و ادبیات پارسی ادامه تحصیل دهد. این بود که سال ۱۳۳۴ وارد دانشگاه مشهد شد.

تحصیل در دانشگاه همانا و درخشش علی شریعتی همانا. به دلیل سواد کافی و علاقه زیادش به ادبیات از همان اوایل به ترجمه و مقاله نویسی روی آورد. کتاب ابوذر غفاری و نیز، نیایش اثر الکسیس کارل را ترجمه کرد و چند رشته مقاله نگاشت.

در تب و تاب تحصیل و علم آموزی بود که سال ۱۳۳۷ با همکلاسی خود

پوران شریعت رضوی ازدواج کرد. پس از اتمام تحصیل در مقطع

لیسانس برای دریافت مدارج بالاتر و من جمله دکترا با همسرش به

فرانسه رفت و بدون علاقه به موضوع تز دکترای خود در ۱۵۵

صفحه فرانسه رساله را ارائه داد و به کمترین نمره قبولی

بسنده کرد.

شریعتی در طول سال های عمر خویش فقط به تحصیل

علم مشغول نبود و دستی بر سیاست داشت و به آگاه

کردت مردم زمان خود علیه جور و ستم می پرداخت و

از این رو در کانون نشر حقایق اسلام که به دست

پدرش پایه گذاری شد و نیز نهضت مقاومت ملی

فعالیت میکرد. ساواک برای این فعالیت ها چند بار و هر

بار به مدت طولانی او را زندانی نمود و در اواخر عمرش

به دلیل محبوبیت زیاد مجبور به حبس به درخانه شد.

حاصل زندگی و عمر گران بهای دکتر علی شریعتی ۴

فرزند بود. او همچنین آثار گران قدری در زمینه دانش

خود یعنی ادبیات دارد... کتب معروف فاطمه فاطمه

است، کویر، مذهب علی مذهب و... همه نگاشته و

برگرفته از ذهن متفکر و خلاق شریعتی اند.

در نهایت علی شریعتی ۲۹ خرداد سال ۱۳۵۶ در منطقه

ساوت همپتون انگلستان درگذشت. گزارش های

مشکوکی از مرگ ناگهانی علی شریعتی به گوش می

رسد. علت مرگ حمله قلبی عنوان شده است اما کسی

سابقه چنین بیماری در او سراغ ندارد.

ابتدا وصیت کرده بود که در حسینیه ارشاد، جایی که در آن

فعالیت و مجاهدت خود را از سر گرفت دفن شود اما این

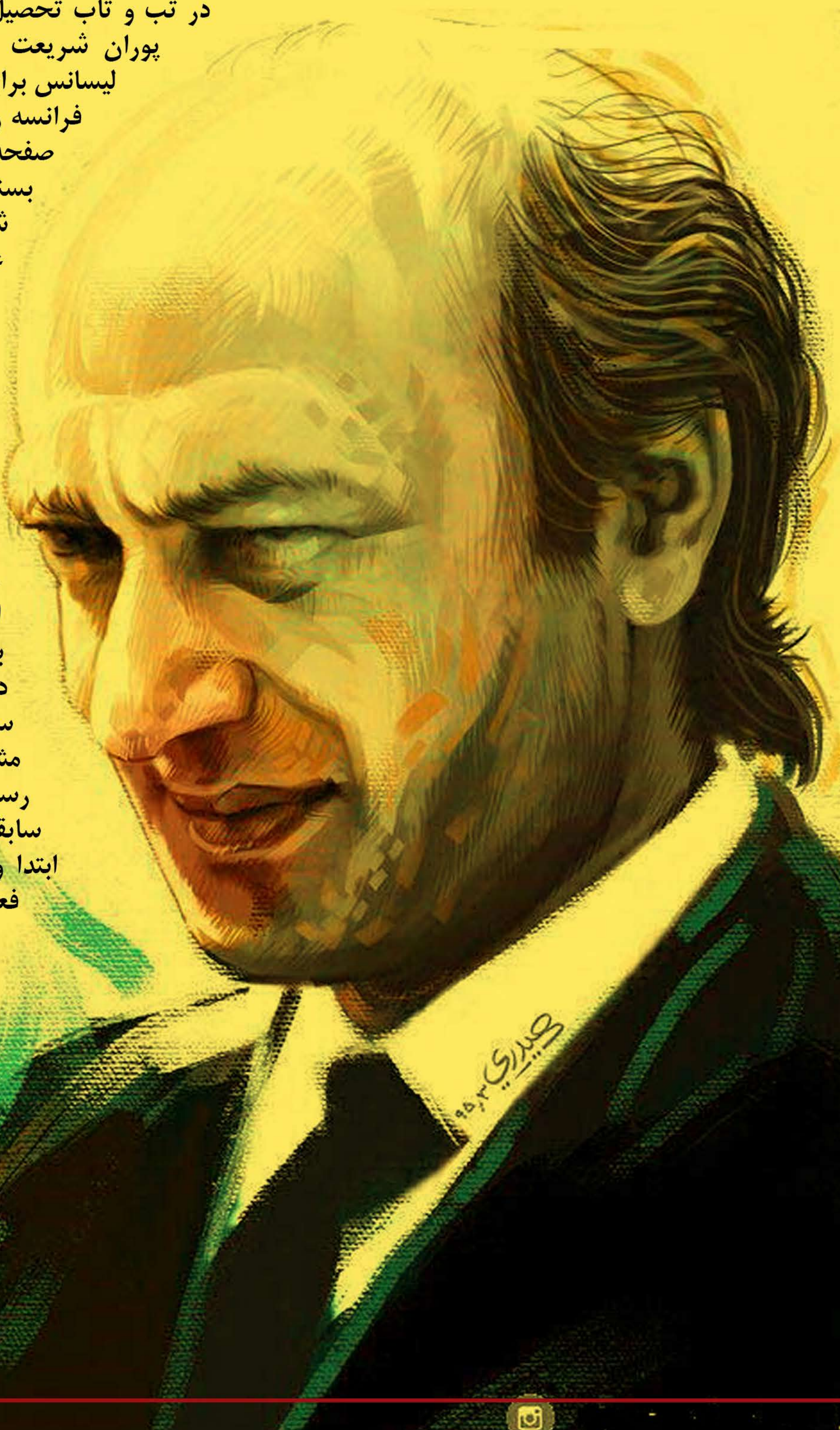
وصیت اجرا نشد و او را در سوریه به خاک سپردند...

او رفت و برای همه ارزش ها جان نهاد. باشد که

کاروان آهنگ رحیل نیستی صدایش آزادی

طلبی اش را به همه جا برساند... روحش

قرین رحمت پروردگار



# آن‌ها نیز آرزوهایی دارند!

GRAPHIC DESIGNER  
MAHAN KHOSHI ARTWORKS

۲۲ خرداد  
روز جهانی مبارزه  
با کودکان کار

World Day Against Child Labour 2019



scan me



nashryeh\_tahrir97

